

رابطه ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۹/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۸

محسن گل پرور^۱

زهرا جوادیان^۲

محمد رضا مصاحبی^۳

زهرا اسماعیلیان اردستانی^۲

آرزو اشجع^۴

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف بررسی رابطه مادی‌گرایی، فاصله قدرت، ماکیاولیانیسم، ایده‌آل‌گرایی و نسبیّت‌گرایی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه انجام گرفت.

روش: پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. به این منظور از کارکنان یک شرکت مواد شیمیایی در شهر اصفهان، ۲۸۷ نفر به شیوه نمونه‌گیری دردسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های باور به دنیای عادلانه (JWB)، پرسشنامه باور به دنیای ناعادلانه (UJWB)، پرسشنامه ایده‌آل‌گرایی، پرسشنامه نسبیّت‌گرایی، پرسشنامه مادی‌گرایی، پرسشنامه فاصله قدرت و پرسشنامه ماکیاولیانیسم پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد باور به دنیای عادلانه با ماکیاولیانیسم رابطه منفی معنی‌دار ($p < 0/01$) و با ایده‌آل‌گرایی و نسبیّت‌گرایی رابطه مثبت معنی‌دار ($p < 0/01$) دارد. همچنین، باور به دنیای ناعادلانه با ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی و فاصله قدرت رابطه مثبت معنی‌دار و با ایده‌آل‌گرایی رابطه منفی معنی‌دار ($p < 0/01$) دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ماکیاولیانیسم قادر به پیش‌بینی

^۱ نویسنده مسئول: عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان، ایران.

drmgolparvar@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان، ایران.

^۳ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان، ایران.

^۴ کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، ایران

باور به دنیای عادلانه و ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی، نسبی‌گرایی و فاصله قدرت بهترین پیش‌بین‌های باور به دنیای ناعادلانه هستند.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی از جمله متغیرهای بالقوه‌ای هستند که با باور به دنیای ناعادلانه و باور به دنیای عادلانه ارتباط برقرار می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: ایدئولوژی‌های اخلاقی، ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی، باور به دنیای عادلانه، باور به دنیای ناعادلانه.

The Relationship between Socio- Cultural Values and Moral Ideologies with Belief in a Just and an Unjust World

Mohsen Golparvar, Zahra Javadian, Mohhamad Reza Mosahebi,
Zohreh Esmailian Ardestani, Arezo Ashja

Abstract

Introduction: This research was conducted with the aim of studying relationship between materialism, power distance, machiavellianism, idealism, relativism and belief in a just and an unjust world.

Method: 287 employees of a chemical substances company in Esfahan city participated in this study. They were selected according to convenience sampling. They answered Belief in a Just World Questionnaire (JWB) and Belief in an Unjust World Questionnaire (UJWB), Idealism Questionnaire, Relativism Questionnaire, Power Distance Questionnaire, Materialism Questionnaire and Machiavellianism Questionnaire. Data were analyzed with the use of Pearson's correlation coefficient and regression analyses.

Results: Results revealed that there is a significant negative relationship between belief in a just world with Machiavellianism ($P < 0.01$), and a significant positive relationship between belief in a just world with idealism and relativism ($P < 0.01$). Belief in an unjust world have also significant positive relationships with Machiavellianism, materialism and power distance, but have significant negative relationships with idealism ($P < 0.01$). The result of regression analysis showed that, for prediction of belief in a just world, Machiavellianism have predictive power, and for prediction of belief in an unjust world, Machiavellianism, materialism, relativism and power distance have predictive power.

Conclusion: Findings of this research revealed that, socio- cultural values and moral ideologies are the potential variables which are related to belief in a just world and belief in an unjust world.

Keywords: Ethical values, Cultural values, Belief in a just world, Belief in an unjust world.

مقدمه

امروزه باور به دنیای عادلانه^۱ و ناعادلانه^۲ به متغیرهایی در جهان و ایران تبدیل شده‌اند که پژوهشگران زیادی علاقه‌مند به تحقیق و بررسی درباره آنها هستند. این علاقه و توجه، تحت‌تأثیر عوامل مختلفی بوده است. اولین عامل این است که از زمان طرح و بسط نظریات و پژوهش‌های معطوف به باور به دنیای عادلانه و پس از آن باور به دنیای ناعادلانه، به خوبی مشخص شده که این باورها به صورت بالقوه و بالفعل قادر به توضیح بسیاری از وقایع و اتفاقات در سطح ذهنی برای انسان‌ها و به دنبال آن در عرصه رفتارها و تصمیمات هستند (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶؛ گل‌پرور و نادى، ۱۳۸۷؛ گل‌پرور و اکبری، ۱۳۸۹). دلیل دوم به این مسئله مربوط می‌شود که این باورها ماهیتی جهان‌شمول دارند که به اشکال مختلف در میان مردم فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف، صرف‌نظر از تعلقات و پای‌بندی‌های دینی و مذهبی متفاوت وجود دارند (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۷) و بالاخره سومین دلیل نیز این است که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه به اشکال مختلف با متغیرهای فردی، موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوند قابل توجهی برقرار می‌سازند. این پیوندها پژوهشگران را برای بررسی نقشهای پیش‌بینی و پیامدی این متغیرها تحریک و ترغیب نموده است (گل‌پرور و جوادی، ۱۳۸۵؛ سجادیان و گل‌پرور، ۱۳۸۷؛ اکبری، گل‌پرور و کامکار، ۱۳۸۷؛ گل‌پرور، خاکسار و خیاطان، ۱۳۸۷؛ گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۸).

باور به دنیای عادلانه به لحاظ ماهیت باور به دنیایی منصف، پاسخ دهنده به تلاش و پشتکار انسان‌ها و به طور خلاصه باور به دنیایی است که اصول عدل و انصاف در چرخش و گردش آن نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند. طبیعی است که درون‌مایه این باورها با باورهای بنیادین مسلمانان و به ویژه ایرانیان سازگاری بالایی دارد (گل‌پرور و اکبری، ۱۳۸۹). آن‌طور که بسیاری از نظریه‌پردازان این عرصه اعلام داشته‌اند، باور به دنیای عادلانه، باور به دنیایی عادل است که به تلاش و پشتکار شخصی اهمیت و بها می‌دهد، نه باور به دنیایی نیکخواه که به واسطه نیکخواهی‌اش دستاورهای دنیوی را به انسان‌ها می‌دهد (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۸). از چنین منظری منطقی است که باور به دنیای عادلانه را باوری مبتنی بر تعلقات پراگماتیک (عمل‌گرایی) و نه تعلقات ایده‌آلیسم (ایده‌آل‌گرایی) تلقی کنیم.

در مقابل، باور به دنیای ناعادلانه باوری مبتنی بر عدم دخالت اصول معطوف به عدل و عدالت در چرخش منظم جهان فانی است. جهان ناعادلانه، جهانی است که در آن بی‌گناهان به جای گناهکاران مجازات می‌شوند، تلاش، کوشش و برنامه‌ریزی‌های افراد به نتایجی شایسته و درخور نمی‌انجامد و بالاخره باور به جهانی است که سراسر بی‌مهری، عناد، دشمنی و خصومت و خشونت را بدون دلیل موجه برای افراد به ارمغان می‌آورد (گل‌پرور و نادى، ۱۳۸۷؛ گل‌پرور و اکبری، ۱۳۸۹). با

¹ Belief in just world

² Unjust world

توجه به ماهیت باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، منطقی است که هر یک از این باورها تبعات روان‌شناختی متفاوتی را به بار آورند. برای نمونه باور به دنیای عادلانه اغلب باعث کاهش سطح استرس، اضطراب، افسردگی و تمایل به خودکشی می‌شود و در مقابل باور به دنیای ناعادلانه سوءظن و بدگمانی و تمایل به خشونت و پرخاشگری را به نظام فکری و رفتاری انسانها دیکته می‌کند (گل‌پرور و جوادی، ۱۳۸۵؛ گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸). البته این تنها بخشی از متغیرهای مرتبط با این باورهاست.

به هر ترتیب، تردیدی نیست که کماکان بسیاری از سؤالات در عرصه عوامل شکل‌دهنده این باورها (باور به دنیای عادلانه و باور به دنیای ناعادلانه) در پرده ابهام و تردید باقی مانده است؛ از جمله نقش ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی در باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه که نه تنها در سطح ایران، بلکه در سطح جهان نیز در حاله‌ای از ابهام و سؤالات فراوان غوطه‌ور است. باور پژوهشگران بر این است که ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی، ارزش‌هایی کلان و مسلط بر اغلب باورهای انسان در تمامی ملل و اقوام هستند. در واقع به بیانی صریح‌تر، ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، نظامی کلان هستند که باورهای افراد را تغذیه کرده و شکل می‌دهند. در این شکل‌دهی بخشی از ارزشهای فرهنگی و اخلاقی (وقتی ماهیت خودمدارانه و شخصی به خود می‌گیرند) باعث تضعیف و بخش دیگری باعث تقویت باورهای خردتر انسان می‌شوند. بر این اساس، در این پژوهش دو بُعد از ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی (مادی‌گرایی^۱ و فاصله قدرت^۲) و ایدئولوژی‌های اخلاقی (ماکیاولیانیسم^۳، ایده‌آل‌گرایی^۴، نسبی‌گرایی^۵)، به عنوان ارزش‌های شکل‌دهنده و مرتبط با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در نظر گرفته شده‌اند.

بنیان‌های فلسفی و تاریخی ایده‌آل‌گرایی و نسبی‌گرایی (به عنوان دو ایدئولوژی اخلاقی)، حاکی از چالش‌های همیشگی بشر بر سر مطلق‌انگاری در برابر نسبی‌انگاری ایدئولوژی‌های اخلاقی است. در گذر حیات بشر تا به امروز، گروهی از اندیشمندان، باور به اصولی فراگیر و مطلق را در عرصه فرهنگ و اخلاق در میان تمامی انسانها، بدون محدودیت جغرافیایی و تعلقات فرهنگی و اخلاقی ترویج داده‌اند و در مقابل گروهی دیگر، باورها و اصول فرهنگی و اخلاقی را اموری وابسته به شرایط، فرهنگ‌ها و اقلیم مذهبی و جغرافیایی و حتی گرایشات فلسفی خاص تلقی کرده و پیگیری اصولی همگانی را امری عبث برشمرده‌اند. بنابراین، گروه اول از لحاظ تفکرات فرهنگی و اخلاقی، ایده‌آل‌گرا و گروه دوم نسبی‌گرا نام گرفته‌اند (راواس، سوئیدان و اویمن، ۲۰۰۵). ایدئولوژی اخلاقی دیگر، علی‌رغم اینکه بنیاد آن بر تمایلات غیراخلاقی است، ماکیاولیانیسم

¹ Materialism

² Power distance

³ Machiavellianism

⁴ Idealism

⁵ Relativism

⁶ Rawwas, Swaidan & Oyman

می‌باشد. در همین آغاز، باید به پارادوکسی اشاره کرد که در قرار دادن ماکیاولیانیسم در عرصه ایدئولوژی‌های اخلاقی پدید می‌آید. ماکیاولیانیسم، غیراخلاقی‌ترین شکل ایدئولوژی‌های اخلاقی است. در این صورت چرا این پدیده به عنوان یک ایدئولوژی اخلاقی در نظر گرفته می‌شود؟ دلیل اصلی آن است که گرایش‌های ماکیاولیانیستی در ظاهر ماهیتی مشروع و اخلاقی دارند، ولی بنیان آن مبتنی بر فریبکاری، نیرنگ و دغل‌بازی است (راواس و همکاران، ۲۰۰۵). شواهد و قرائن تاریخی، فلسفی و پژوهش‌های آکادمیک، حاکی از مسلط بودن ویژگی‌های خودمداری مادی‌گرایانه، فریبکاری و مشروعیت دوگانگی حرف و عمل (آنچه را دیگران دوست دارند بشوند به آنها بگو، ولی به آنچه عمل کن که به نفع خودت است) و تزیین حقوق، آزادیها و دستاوردهای دیگران به نفع خود، مشخصه‌های محوری در ماکیاولیانیسم هستند (ریچموند^۱، ۲۰۰۱).

در کنار ایدئولوژی‌های اخلاقی، ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی مطرح می‌شوند. اولین ارزش اجتماعی - فرهنگی در این پژوهش، مادی‌گرایی است. مادی‌گرایی به لحاظ تاریخی قدمتی دیرینه دارد. در این شکل از ارزش‌ها، تعلقات مادی دنیوی، مایملک مادی، نظیر پول، امکانات، ثروت‌های غیرمنقول و خلاصه هر آنچه ماهیت مادی و فیزیکی دارد، اولویت اول و تعیین‌کننده دارند. به دنبال مادی‌گرایی، فاصله قدرت طرح می‌شود. فاصله قدرت، یک ارزش اجتماعی - فرهنگی برآمده از تحولات اجتماعی و تاریخی بشر در عرصه حکومت‌ها و به ویژه یک ارزش برآمده از نظام‌های اجتماعی طبقاتی به شکل کلاسیک و نوین آن است (کیم و لیونگ^۲، ۲۰۰۷). این ارزش اجتماعی - فرهنگی مایه‌ای اینچنین دارد: کسانی که در جایگاه رسمی قدرت قرار دارند یا قرار می‌گیرند، انسان‌هایی با اختیار برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای دیگران هستند و این برنامه‌ها و تصمیمات را با قائل شدن حق اعتراض و چون و چرا در گستره‌ای از کم تا زیاد به مرحله اجرا درمی‌آورند. بر همین پایه، در یک نظام اجتماعی که عوام قادر به اعتراض و چون و چرا کردن در برنامه‌ها و تصمیمات هستند، ارزش فرهنگی و اخلاقی فاصله قدرت در حد پایینی است و در مقابل در نظام‌های اجتماعی که افراد قادر به اعتراض و چون و چرا کردن در امور نیستند، فاصله قدرت در حد بالایی قرار دارد (گل‌پرور و نادى، ۱۳۸۹).

پس از توصیف اجمالی ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی مورد تأکید در این پژوهش، به نحوه پیوند میان پنج ارزش اجتماعی - فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی (نسبیت‌گرایی، ایده‌آل‌گرایی، مادی‌گرایی، فاصله قدرت و ماکیاولیانیسم) با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه می‌پردازیم. اشاره به این نکته الزامی است که در پیگیری و جستجوی پژوهش‌هایی در حوزه رابطه پنج ارزش و ایدئولوژی اخلاقی و فرهنگی مورد استفاده در این پژوهش با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه به پژوهشی برخورد نمودیم. به این جهت در پیشینه نظری و پژوهشی به پژوهش‌هایی اشاره شده که حمایت محتوایی و نظری ضمنی را برای پیوند بین ایده‌آل‌گرایی، مادی‌گرایی، فاصله قدرت،

¹ Richmond

² Kim & Leung

نسبیت‌گرایی و ماکیاولیانیسم با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه فراهم نموده‌اند.

طی اولین مجموعه پژوهش‌های صورت گرفته، دیتمار و دیکینسون^۱ (۱۹۹۳) طی مروری بر ادبیات پژوهشی تا دهه ۱۹۸۰، بین تاکتیک‌های رفتاری ماکیاولیانیستی با باور به دنیای عادلانه رابطه مثبت و در مقابل بین بدگمانی ماکیاولیانیستی^۲ با باور به دنیای عادلانه رابطه منفی گزارش نمودند. در کنار ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی و فاصله قدرت یکی بر پایه زیربناهای نظری غفلت از مسائل معنوی و روحانی (مادی‌گرایی) و دیگری با زیربنای بی‌عدالتی و تبعیض (فاصله قدرت) با باورهای معطوف به عدالت در موقعیت‌های خاص (نظیر محیط‌های کار) دارای رابطه منفی گزارش شده‌اند. گل‌پرور و نادى (۱۳۸۹) با مطالعه پیوند میان مادی‌گرایی و فاصله قدرت با عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت تعاملی در محیط‌های کار رابطه معنی‌داری را بین این متغیرها گزارش نموده‌اند. باور پژوهشگران این پژوهش بر این است که ایدئولوژی اخلاقی ماکیاولیانیسم و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی مادی‌گرایی و فاصله قدرت، از جمله ارزش‌ها و ایدئولوژی‌هایی هستند که رابطه آنها با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در پرده ابهام جدی است. چرا که از لحاظ نظری به نظر می‌رسد که گرایش‌های ماکیاولیانیستی منفی‌گرایانه (سوءظن، سوءاستفاده، فریبکاری) به لحاظ محتوای خود باید با باور به دنیای عادلانه رابطه منفی و در عوض با باور به دنیای ناعادلانه رابطه مثبت داشته باشند. همین امر در مورد فاصله قدرت هم مطرح است، اما در مورد مادی‌گرایی به دلیل آنکه این پدیده با تلاش‌های معطوف به کسب دستاوردهای مادی از یک طرف رابطه دارد و از طرف دیگر باعث غفلت از مسائل معنوی و روحانی می‌شود (کیم و لیونگ، ۲۰۰۷)، حالتی پارادوکس‌گونه را در پیوند با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه فراهم می‌سازد. شواهد پژوهشی داخلی نشان می‌دهد که باور به دنیای عادلانه با جبرگرایی رابطه منفی و با اعتماد دموکراتیک، یعنی باور به اینکه دولتمردان ارزش لازم و کافی را برای مشارکت و سهیم بودن افراد جامعه در سرنوشت خود قائل هستند، دارای رابطه مثبت و برعکس باور به دنیای ناعادلانه با جبرگرایی (و حتی برابری‌گرایی) دارای رابطه مثبت، ولی با اعتماد دموکراتیک دارای رابطه منفی است (گل‌پرور و اکبری، ۱۳۸۹).

همچنین شواهد پژوهشی دیگری حاکی از رابطه منفی باور به دنیای عادلانه با سوءظن و بدگمانی و در مقابل رابطه مثبت باور به دنیای ناعادلانه با سوءظن و بدگمانی است (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۸۷؛ سجادیان و گل‌پرور، ۱۳۸۷). بخش دیگر شواهد پژوهشی داخلی نشان داده که باور به دنیای عادلانه در زنان و مردان در ایران با عشق به پول در ابعادی نظیر اهمیت پول، پول به عنوان نشانه موفقیت، پول نشانه غنی بودن و ارزش‌های شخصی نظیر پیشرفت، نیکخواهی و قدرت رابطه مثبت و در عوض باور به دنیای ناعادلانه با این متغیرها رابطه منفی دارد (گل‌پرور و جوادیان، ۱۳۸۹؛ گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۷). تمامی این دست شواهد، اگر به علامت روابط گزارش شده توجه شود، محرز می‌سازد که نتیجه‌گیری برای پیوند میان ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی و فاصله قدرت با

¹ Dittmar & Dickinson

² Machiavellian cynicism

باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه واقعاً دشوار است. بالاخره دو ایدئولوژی اخلاقی دیگر، یعنی نسبی‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی مطرح می‌شوند. جستجوهای انجام شده در مورد پیوند بین ایده‌آل‌گرایی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در پیشینه پژوهش به نتیجه‌ای نینجامید. اما به لحاظ ماهیت و محتوای ایده‌آل‌گرایی که همان قائل بودن به اصولی جهان‌شمول و فراگیر است و از آنجا که باور به دنیای عادلانه و پدیده عدالت، اصول و باورهایی جهان‌شمول هستند، به نظر می‌رسد که بین ایده‌آل‌گرایی با باور به دنیای عادلانه رابطه مثبت و در مقابل با باور به دنیای ناعادلانه رابطه منفی وجود داشته باشد (کریستوفر، زابل، جونز و مارک^۱، ۲۰۰۸؛ لو^۲، ۲۰۰۷). همین وضعیت به صورت نسبی در مورد رابطه باور به دنیای عادلانه و نسبی‌گرایی هم به چشم می‌خورد. علی‌رغم اینکه باور به دنیای عادلانه مبتنی بر اصولی جذاب نظیر رعایت عدل و انصاف در دنیاست، ولی این باورها در سطح فردی ماهیت پدیدارشناسانه دارند (رابین و پیلاثو^۳، ۱۹۷۵؛ دالبرت^۴، ۲۰۰۹)، بدین معنی که هر کس بر حسب جایگاه و موقعیت خود درباره عدالت در دنیا دست به داوری می‌زند. از چنین منظری هر کس دارای جایگاهی نسبی در این باورهاست که ممکن است با دیگران متفاوت باشد (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۷؛ گل‌پرور، ۱۳۸۹). این تفاوت، ماهیت نسبی‌گرایی باور به دنیای عادلانه را نشان می‌دهد، لذا انتظار می‌رود که باور به دنیای عادلانه با نسبی‌گرایی دارای رابطه مثبت باشد، ولی رابطه باور به دنیای ناعادلانه با نسبی‌گرایی چندان قابل پیش‌بینی نیست.

بر اساس آنچه بیان شد، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی، فاصله قدرت، نسبی‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه است تا از این طریق جغرافیای دانش مربوط به نقش ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی در باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در ایران بسط و گسترش یابد و زمینه و بستر برای پژوهش‌های بیشتر در آینده فراهم آید. سؤالات پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

آیا بین مادی‌گرایی، فاصله قدرت، ایده‌آل‌گرایی، نسبی‌گرایی و ماکیاولیانیسم با باور به دنیای عادلانه رابطه وجود دارد؟

آیا بین مادی‌گرایی، فاصله قدرت، ایده‌آل‌گرایی، نسبی‌گرایی و ماکیاولیانیسم با باور به دنیای ناعادلانه رابطه وجود دارد؟

روش

این مطالعه از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش متشکل از کلیه کارکنان مرد چند بخش یک شرکت تولیدی مواد شیمیایی (به تعداد ۱۱۰۰ نفر) در شهر اصفهان در بهار و تابستان ۱۳۸۹

¹ Christopher, Zabel, Jones & Marek

² Lo

³ Rubin & Peplau

⁴ Dalbert

بود که بر اساس تناسب حجم نمونه با حجم جامعه آماری و از آنجا که مطالعات تحلیل رگرسیون نیازمند نمونه‌های بزرگ است (سکاران، ۱۳۸۱، ترجمه صائی و شیرازی؛ کرلینجر و پدهازر، ۱۹۸۲، ترجمه سرایی، ۱۳۸۴)، ۳۰۰ نفر برای شرکت در این پژوهش به صورت در دسترس انتخاب شدند. پس از بازگشت پرسشنامه‌ها، ۱۳ پرسشنامه (معادل ۴/۳ درصد) بدلیل ناقص پاسخ داده شدن، از تحلیل‌ها کنار گذاشته شدند، لذا گروه نمونه نهایی به ۲۸۷ نفر (میزان بازگشت ۹۵/۷ درصد) تقلیل یافت. از ۲۸۵ نفر که تحصیلات خود را اعلام نمودند، اکثریت (۵۶/۸ درصد) دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم بودند. تمامی اعضاء نمونه پژوهش را مردان تشکیل می‌دادند که اکثریت آنها متأهل (۶۸/۴ درصد) و دارای پُست یا سمت غیرمدیریتی (۹۷/۹ درصد) بودند. میانگین سنی اعضاء نمونه ۳۰/۵۷ سال (با انحراف استاندارد ۵/۵۵) و میانگین سابقه شغلی آنها ۷/۰۶ سال (با انحراف استاندارد ۵/۰۷) بود.

ابزار پژوهش

پرسشنامه‌های ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی: برای سنجش دو بُعد ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی از پرسشنامه ۴ سؤالی مادی‌گرایی و پرسشنامه ۴ سؤالی فاصله قدرت که از کیم و لیونگ (۲۰۰۷) اقتباس شده و در ایران توسط گل‌پرور و نادى (۱۳۸۹) ترجمه و اعتباریابی شده استفاده گردید. در این پژوهش بر روی این دو پرسشنامه تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش از نوع واریماکس انجام پذیرفت. شواهد حاصل از این تحلیل، روایی سازه این دو پرسشنامه را دوباره مستند ساخت. بررسی نقش سؤالات در آلفای کرونباخ هر یک از پرسشنامه‌ها نشان داد که بهتر است ۱ سؤال از پرسشنامه فاصله قدرت حذف شود. با حذف این سؤال تعداد سؤالات فاصله قدرت به ۳ سؤال تقلیل یافت. آلفای کرونباخ این دو پرسشنامه در این پژوهش برای مادی‌گرایی و فاصله قدرت به ترتیب برابر با ۰/۶ و ۰/۶ به دست آمد.

پرسشنامه‌های ایدئولوژی‌های اخلاقی: برای سنجش ایدئولوژی‌های اخلاقی به ترتیب از پرسشنامه ۹ سؤالی ایده‌آل‌گرایی، پرسشنامه ۶ سؤالی نسبیت‌گرایی و پرسشنامه ۹ سؤالی ماکیاولیانیسم استفاده شد که از راواس و همکاران (۲۰۰۵) اقتباس شده و بر اساس مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۷) نمره‌گذاری می‌شود. پرسشنامه زبان انگلیسی که راواس و همکاران (۲۰۰۵) آن را استفاده نموده‌اند دارای ۱۳ سؤال است. ولی ۹ سؤال آن در این پژوهش فقط بر مبنای محتوای آنها و متناسب با فرهنگ ایران آماده شده‌اند. راواس و همکاران (۲۰۰۵) در بین دو گروه نمونه آمریکایی و ترکیه‌ای آلفای کرونباخ را برای ایده‌آل‌گرایی، نسبیت‌گرایی و ماکیاولیانیسم ۰/۶۱ تا ۰/۸۷ گزارش نموده‌اند. تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش از نوع واریماکس، سؤالات این سه پرسشنامه را بر روی سه عامل قرار داد. آلفای کرونباخ در این پژوهش برای ایده‌آل‌گرایی، نسبیت‌گرایی و ماکیاولیانیسم به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۶ و ۰/۷ به دست آمد.

پرسشنامه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه: برای سنجش باور به دنیای عادلانه از پرسشنامه ۷ سؤالی دالبرت (۲۰۰۱) و برای سنجش باور به دنیای ناعادلانه از پرسشنامه ۴ سؤالی دالبرت، لایپکوس، سالی و گوچ^۱ (۲۰۰۱) که در ایران ترجمه و آماده اجرا شده (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶؛ سجادیان و گل‌پرور، ۱۳۸۷) استفاده گردید. این دو پرسشنامه بر اساس مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۷) نمره‌گذاری می‌شوند و در داخل و خارج از شواهد روایی و پایایی مطلوبی برخوردار هستند. پرسشنامه باور به دنیای عادلانه، باورهای فرد درباره رعایت عدالت و انصاف در دنیا برای خود فرد و در مقابل باور به دنیای ناعادلانه در این پژوهش رنج بردن فرد از سرنوشتی ناعادلانه را مورد سنجش قرار می‌دهند. تحلیل عاملی اکتشافی مجدد برای این دو پرسشنامه در این پژوهش (با چرخش از نوع واریماکس) روایی سازه آنها را مستند ساخت، به ترتیبی که آلفای کرونباخ برای پرسشنامه باور به دنیای عادلانه شخصی ۰/۷ و برای پرسشنامه باور به دنیای ناعادلانه شخصی ۰/۶۱ به دست آمد. آلفای کرونباخ برای باور به دنیای ناعادلانه در این پژوهش در سطح مطالعات قبلی در داخل است.

یافته‌ها

میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف	ماکیاولیانیسم	ایده‌آل‌گرایی	نسبیت‌گرایی	مادی‌گرایی	فاصله قدرت	باور به دنیای عادلانه	باور به دنیای ناعادلانه
۱	ماکیاولیانیسم	۴۴/۱	۷/۸۹	-	-	-	-	-	-	-	-
۲	ایده‌آل‌گرایی	۴۷/۲۸	۹/۶۴	۰/۷**	-	-	-	-	-	-	-
۳	نسبیت‌گرایی	۲۸/۳۶	۵/۵۹	۰/۳۹**	۰/۴۴**	-	-	-	-	-	-
۴	مادی‌گرایی	۱۳/۶۸	۴/۸۴	۰/۱۶**	۰/۲۱**	۰/۰۸	-	-	-	-	-
۵	فاصله قدرت	۱۰/۰۷	۳/۶۹	۰/۲۱**	۰/۳۱**	۰/۰۶	۰/۳۸**	-	-	-	-
۶	باور به دنیای عادلانه	۳۰/۱۱	۶/۴۶	۰/۳۹**	۰/۳۳**	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۲۴**	-	-	-
۷	باور به دنیای ناعادلانه	۱۴/۶۷	۴/۵	۰/۲۳**	۰/۱۹**	۰/۲۷**	۰/۴۴**	۰/۲۹**	-	-	-

** p<0.01

چنانکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود، باور به دنیای عادلانه با ماکیاولیانیسم دارای رابطه منفی معنی‌دار ($p < 0/01$)، ولی با ایده‌آل‌گرایی ($p < 0/01$) و نسبیت‌گرایی ($p < 0/01$) دارای رابطه مثبت معنی‌دار است. همچنین بین باور به دنیای عادلانه با مادی‌گرایی و فاصله قدرت رابطه معنی‌داری

¹ Dalbert, Lipkus, Sallay & Goch

وجود ندارد. در مقابل، باور به دنیای ناعادلانه با ماکیاولیانیسم ($p < 0.01$)، مادی‌گرایی ($p < 0.01$) و فاصله قدرت ($p < 0.01$) دارای رابطه مثبت معنی‌دار است. باور به دنیای ناعادلانه با ایده‌آل‌گرایی ($p < 0.01$) دارای رابطه منفی معنی‌دار است و با نسبیّت‌گرایی رابطه معنی‌دار ندارد.

مدل‌های رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه از طریق ماکیاولیانیسم، ایده‌آل‌گرایی، نسبیّت‌گرایی، مادی‌گرایی و فاصله قدرت در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- مدل‌های رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه

F	R ²	R	β	SE	b	متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاکی
			-	۲/۷۹	۱۱/۹۴**	مقدار ثابت	باور به دنیای عادلانه
			-۰/۳۳**	۰/۰۶۹	-۰/۲۶**	ماکیاولیانیسم	
			-۰/۰۶	۰/۰۶۱	-۰/۰۴	ایده‌آل‌گرایی	
۱۲/۳**	۰/۱۷۸	-۰/۴۲۲	-۰/۰۹	۰/۰۷۲	-۰/۱۱	نسبیّت‌گرایی	
			-۰/۰۵	۰/۰۸	-۰/۰۷	مادی‌گرایی	
			-۰/۱۱	۰/۱	-۰/۲	فاصله قدرت	
			-	۱/۸۵	۱۰/۵۱	مقدار ثابت	باور به دنیای ناعادلانه
			۰/۲۳۲	۰/۰۴۶	-۰/۱۳۳**	ماکیاولیانیسم	
			-۰/۰۴	۰/۰۴	-۰/۰۲	ایده‌آل‌گرایی	
۱۸۱**	۰/۲۵	۰/۵	-۰/۱۲	۰/۰۴	-۰/۰۹*	نسبیّت‌گرایی	
۱۸			-۰/۳۵	۰/۰۵	۰/۳۳**	مادی‌گرایی	
			-۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۱۶*	فاصله قدرت	

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، از بین پنج متغیر پیش‌بین فقط ماکیاولیانیسم قادر به پیش‌بینی باور به دنیای عادلانه است. با توجه به مقدار مربع R می‌توان گفت که ۱۷/۸ درصد از واریانس باور به دنیای عادلانه از طریق ماکیاولیانیسم قابل تبیین است.

همچنین، نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که از بین پنج متغیر پیش‌بین، ماکیاولیانیسم، نسبیّت‌گرایی، مادی‌گرایی و فاصله قدرت قادر به پیش‌بینی باور به دنیای ناعادلانه هستند. با توجه به مقدار مربع R می‌توان گفت که این چهار متغیر ۲۵ درصد از واریانس باور به دنیای ناعادلانه را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج ارائه شده، سؤال اول پژوهش در سطح همبستگی‌های ساده به این صورت پاسخ داده شد که بین باور به دنیای عادلانه با ماکیاولیانیسم رابطه منفی معنی‌دار، ولی بین باور به دنیای

عادلانه با ایده‌آل‌گرایی و نسبیت‌گرایی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. همچنین، بین باور به دنیای عادلانه با مادی‌گرایی و فاصله قدرت رابطه معنی‌داری به دست نیامد. نتایج حاصل از این پژوهش از رابطه نسبی بین ماکیاولیانیسم، ایده‌آل‌گرایی و نسبیت‌گرایی با باور به دنیای عادلانه حمایت نمود. بنابراین، در نتیجه‌گیری اولیه می‌توان گفت که ماکیاولیانیسم باعث تضعیف باور به دنیای عادلانه می‌شود و در مقابل نسبیت‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی آن را تقویت می‌کند. این روابط به لحاظ کلی با آنچه در باب ماکیاولیانیسم، نسبیت‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی گفته می‌شود (ریچموند، ۲۰۰۱؛ راواس و همکاران، ۲۰۰۵) همسویی دارد. دلیل رابطه منفی بین ماکیاولیانیسم و باور به دنیای عادلانه در این است که بنیان‌های ارزشی - فردی مطرح برای ماکیاولیانیسم در تضاد جدی با باور به دنیای عادلانه قرار دارد. برای نمونه وقتی فرد ماهیتاً به پرده‌پوشی، ظنن بودن، مشروعیت فریبکاری برای نفع شخصی و خلاصه مشروعیت سوء استفاده از دیگران برای دستیابی به منافع شخصی باور داشته باشد، همزمان نمی‌تواند به این امر باور داشته باشد که انسان‌ها ارزشمندند و باید به آنها احترام گذاشت، هر کسی باید صرفاً بر اساس تلاش و کوشش انسان‌دوستانه انتظار دستاورد داشته باشد و خلاصه انسان بر پایه اصل عدالت، اگر چیزی را با تلاش و نیکی بکارد، دستاوردهای مثبت را درو خواهد کرد. چرا که این باورها از لحاظ شناختی دارای ناهماهنگی هستند. در مقابل، رابطه مثبت بین ایده‌آل‌گرایی و نسبیت‌گرایی حاکی از نقش کمال‌گرایی ارزشی - اخلاقی همراه با در نظر گرفتن نسبیت برخی اصول اخلاقی و فرهنگی در باورهای افراد است.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که در حضور پنج ارزش اخلاقی و فرهنگی، صرفاً ماکیاولیانیسم توان تبیین ۱۷/۸ درصدی باور به دنیای عادلانه را دارد. این نتیجه نیز حاکی از آن است که اگر تمایلات فریبکارانه و بدگمانی ماکیاولیانیستی بر ساختار فکری و شناختی افراد مسلط شود، به طور جدی باور به دنیای عادلانه تضعیف می‌شود و حتی نقش ایده‌آل‌گرایی و نسبیت‌گرایی نیز بی‌رنگ می‌گردد. این یافته نشان می‌دهد که افرادی با تمایلات فکری ماکیاولیانیستی دیگر قادر نیستند از تبعات مثبت باور به دنیای عادلانه در حوزه سلامت عمومی (گل‌پرور و جوادی، ۱۳۸۵؛ سجادیان و گل‌پرور، ۱۳۸۷؛ دالبرت، ۲۰۰۹) بهره‌مند شوند. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود که افراد دارای تمایلات ماکیاولیانیستی در محیط‌های مختلف، از جمله محیط‌های کار نتوانند از کارکرد ارتقاء سلامت عمومی باور به دنیای عادلانه بهره‌مند شوند.

در خصوص سؤال دوم پژوهش نیز در سطح همبستگی‌های ساده نتایج نشان داد که ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی و فاصله قدرت با باور به دنیای ناعادلانه دارای رابطه مثبت و در مقابل ایده‌آل‌گرایی با این باورها دارای رابطه منفی است (نسبیت‌گرایی با باور به دنیای ناعادلانه دارای رابطه معنی‌داری نبود). این نتایج از جهت‌هایی با یافته‌های مربوط به باور به دنیای عادلانه دارای همسویی و از جهت دیگری (مادی‌گرایی و فاصله قدرت) ناهم‌سوست. چرا که فاصله قدرت و مادی‌گرایی برای باور به دنیای عادلانه دارای توان پیش‌بینی معنی‌دار نبودند، ولی برای باور به دنیای ناعادلانه دارای توان پیش‌بینی معنی‌دار بودند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن

بود که ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی، فاصله قدرت و نسبیّت‌گرایی ۲۵ درصد از واریانس باور به دنیای ناعادلانه را تبیین می‌کنند. از نظر بیشترین نقش نیز ابتدا مادی‌گرایی، سپس ماکیاولیانیسم و فاصله قدرت و در آخر نسبیّت‌گرایی قرار داشته است. این وضعیت گویای آن است که شمول روابط باور به دنیای ناعادلانه با ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی نسبت به باور به دنیای عادلانه بیشتر است. به معنای دیگر و به شکلی روشن بر مبنای یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که باور به دنیای ناعادلانه به طور همزمان با ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی، فاصله قدرت و ایده‌آل‌گرایی رابطه چندگانه برقرار ساخته، ولی باور به دنیای عادلانه فقط با ماکیاولیانیسم ارتباط داشته است. در یک نتیجه‌گیری اجمالی مبتنی بر یافته‌ها می‌توان گفت مادی‌گرایی، ماکیاولیانیسم و فاصله قدرت وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، به طور جدی باعث تقویت باور به دنیای ناعادلانه می‌شوند که ماهیتی مبتنی بر سوءظن و بدگمانی دارد (سجادیان و گل‌پرور، ۱۳۸۷) و زمینه خصومت را فراهم می‌سازد (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۸۷). باور پژوهشگران پژوهش حاضر بر این است که باور به دنیای ناعادلانه و ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی و فاصله قدرت طی یک چرخه معیوب زمینه را برای تقویت درون‌مدار یکدیگر فراهم می‌سازند. این چرخه معیوب می‌تواند تبعات و پیامدهای رفتاری منفی، نظیر رفتارهای غیراخلاقی را پدید آورد. از طرف دیگر، این احتمال مطرح است که ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی در تأثیر بر باور به دنیای عادلانه و باور به دنیای ناعادلانه به صورت ارزش‌های چندسطحی عمل می‌کنند؛ به این معنی که از طریق یک نظام مرجع پدیدارشناسانه ارزشی حضور برخی ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها باعث تقویت یا تضعیف اثر برخی دیگر از این ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها بر باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه می‌شود. این مسئله نیز می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرد که آیا برخی ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و ایدئولوژی‌های اخلاقی می‌توانند در تأثیر بر باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با ابعاد دیگر تعامل نمایند یا خیر؟. به نظر می‌رسد ماکیاولیانیسم دارای ظرفیت بالقوه‌ای برای تعامل با مادی‌گرایی و فاصله قدرت در تأثیر بر باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه باشد. در عین حال، ایده‌آل‌گرایی اخلاقی نیز در صورتی که در حد پایینی باشد به مادی‌گرایی، فاصله قدرت و ماکیاولیانیسم اجازه تأثیر بر باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه را می‌دهد. در چنین شرایطی نیز پیش‌بینی می‌شود که ایده‌آل‌گرایی در تأثیر بر باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با ماکیاولیانیسم، مادی‌گرایی و فاصله قدرت تعامل نماید.

در راستای یافته‌های این پژوهش، این پیشنهاد کاربردی را می‌توان مطرح کرد که برنامه‌ریزی برای اصلاح تمایلات ماکیاولیانیستی (فریب، سوءظن، پنهان‌کاری و...) و افزایش ایده‌آل‌گرایی و نسبیّت‌گرایی برای تقویت باور به دنیای عادلانه امری ضروری است. اما تضعیف باور به دنیای ناعادلانه مستلزم بکارگیری راهکارهایی برای کنترل تمایلات ماکیاولیانیستی، مادی‌گرایی و فاصله قدرت است. به هر حال، در تعبیر و تفسیر یافته‌های این پژوهش، باید به محدودیت‌های آن توجه نمود. محدودیت اول اینکه نمونه پژوهش به صورت دردسترس (غیرتصادفی) انتخاب شده است.

این روش نمونه‌گیری علی‌رغم محاسن خاص، تعمیم‌پذیری داده‌ها را با محدودیت مواجه می‌سازد. دومین محدودیت اینکه نمونه این پژوهش را مردان تشکیل داده‌اند، لذا در تعمیم نتایج به زنان احتیاط جدی لازم است.

منابع

- اکبری، محمد، گل‌پرور، محسن و کامکار، منوچهر. (۱۳۸۷). رابطه اعتماد بین فردی، خودکارآمدی، پای‌بندی مذهبی و بخشش با باور به دنیای عادلانه توزیعی و رویه‌ای. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۰، ۸۰-۵۳.
- سجادیان، ایلناز و گل‌پرور، محسن. (۱۳۸۷). روابط ساده و چندگانه باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه با وضعیت روانی افراد. *روان‌شناسی معاصر*، ۳، ۴۲-۳۳.
- سکاران، اوما. (۱۳۸۱). *روش‌های تحقیق در مدیریت*. ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- کرلینجر، فرد و پدهازار، الازار. (۱۹۸۲). *رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری*. ترجمه حسن سرایی. (۱۳۸۴). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گل‌پرور، محسن. (۱۳۸۹). ساختار عاملی پرسشنامه باور به دنیای عادلانه رابین و پیلاثو: شواهدی از تمایز باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۵، ۲۰-۷.
- گل‌پرور، محسن و اکبری، محمد. (۱۳۸۹). نقش ایدئولوژی‌های عدالت و باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه بر عدالت رفتاری، عدالت در ارزیابی و استرس منفی دانشجویان. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۸، ۲۴-۱۱.
- گل‌پرور، محسن و جوادی، سارا. (۱۳۸۵). الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخص‌های بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۸، ۱۲۲-۱۰۹.
- گل‌پرور، محسن و جوادیان، زهرا. (۱۳۸۹). رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با عشق به پول. *پژوهش‌نامه اخلاق*، ۳، ۷۸-۶۱.
- گل‌پرور، محسن، خاکسار، سروره و خیاطان، فلور. (۱۳۸۷). رابطه بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با پرخاشگری. *روان‌شناسان ایرانی (روان‌شناسی تحولی)*، ۵، ۱۳۶-۱۲۷.
- گل‌پرور، محسن و عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). اعتباریابی پرسشنامه‌های باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران. *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۲۵، ۲۱۲-۱۹۳.
- گل‌پرور، محسن و عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). نقش جهت‌گیری‌های ارزشی و علاقه به پول با باورهای معطوف به عدالت. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۳، ۱۲۴-۱۱۵.

- گل‌پرور، محسن و عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). بررسی نقش میانجی و تعدیلی تبعیض ادراک شده در زنان، در پیوند میان سبک‌های دلبستگی و افسردگی. *مطالعات زنان*، ۷، ۹۷-۱۱۴.
- گل‌پرور، محسن و نادى، محمدعلی. (۱۳۸۷). باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، عدالت رفتاری، عدالت در ارزیابی و استرس منفی در مدرسه. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۲، ۶۲-۵۱.
- گل‌پرور، محسن و نادى، محمدعلی. (۱۳۸۹). ارزش‌های فرهنگی و انصاف: عدالت سازمانی، رضایت شغلی و ترک خدمت. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۲، ۲۰۷-۲۲۸.

Christopher, A. N., Zabel, K. L., Jones, J. R., & Marek, P. (2008). Protestant ethic ideology, its multifaceted relationships with just world beliefs, social dominance orientation, and right-wing authoritarianism. *Personality and Individual Differences*, 45, 473-477.

Dalbert, C. (2001). *The justice motive as a personal resource: Dealing with challenges and critical life events*. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.

Dalbert, C. (2009). *Belief in a just world*. New York: Guilford Publications.

Dalbert, C., Lipkus, I.M., Sallay, H., & Goch, I. (2001). A just and an unjust world: Structure and validity of different world beliefs. *Personality and Individual Differences*, 30, 561-577.

Dittmar, H., & Dickinson, J. (1993). The perceived relationship between the belief in a just world and sociopolitical ideology. *Social Injustice Research*, 6, 257-272.

Kim, T. Y., & Leung, K. (2007). Forming and reacting to overall fairness: A cross cultural comparison. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 104, 83-95.

Lo, H. H. (2007). Belief in a just world and belief in idealism as predictors of the perceptions of distributive and procedural justice. *Web Journal of Chinese Management Review*, 11, 1-10.

Rawwas, M. Y. A., Swaidan, Z., & Oyman, M. (2005). Consumer ethics: A cross cultural study of the ethical beliefs of Turkish and American consumers. *Journal of Business Ethics*, 54, 183-195.

Richmond, K. A. (2001). Ethical reasoning, Machiavellian behavior, and gender: The impact on accounting students' ethical decision making. *Unpublished Doctoral Dissertation in General Business with a Major in Accounting*, Virginia, Blacksburg University.

Rubin, Z., & Peplau, L. (1975). Who believes in a just world? *Journal of Social Issues*, 31, 65-89.